

یادداشت

وزارتخانه‌ها:اربرن سپاری نکند

هنرمندان و نویسندگان و اصحاب فرهنگ که روح لطیفی دارند، منظر طرف‌شدن وزارت ارشاد با دست‌های بیرون از ارشاد هستند، ولی به امان خدا راه‌ها شده‌اند. وزارتخانه برای این حمایت‌هاست، بگذریم از اینکه بسیاری از وظایف این وزارت اصلا از حوزه وزارت بیرون آمده و بدون نظارت در دسترس مردم است. کارکردن با اهالی فرهنگ و هنر، روش خیلی با ظرافت می‌طلبد. جناب آقای صالحی، معاونانتان باید انگیزه کار و ارتباط صمیمی با اصحاب هنر و فرهنگ را داشته باشند.

دولت آینده‌دراربران

بنابراین سؤال دهه آینده صرفا این نیست که ایران چه سهمی از اقتصاد هوش مصنوعی خواهد داشت. سؤال مهم‌تر این است: دولت ایران در عصر هوش مصنوعی چگونه باید حکومت کند؟

خاورمیانه ثابت نخواهد ماند

چهارمین نیروی تغییر، محیط ژئوپلیتیک ایران است. ایران در یکی از پرتحول‌ترین مناطق جهان قرار دارد. در چنین محیطی، خطای خطرناک آن است که تصور کنیم آرایش قدرت امروز، ۱۰ سال دیگر نیز به همین شکل باقی خواهد ماند. اختلاف‌ها تغییر می‌کنند، فناوری نظامی تغییر می‌کند، نقش انرژی تغییر می‌کند، اهمیت مسیرهای تجاری تغییر می‌کند، قدرت‌های منطقه‌ای جدید ظهور می‌کنند و قدرت‌های قدیمی ممکن است بخشی از وزن خود را از دست بدهند. دولت آینده ایران در نتیجه باید نه فقط برای «تهدیدهای شناخته‌شده»، بلکه برای سانبروهای متفاوت ژئوپلیتیکی آماده باشد. آینده‌پژوهی در اینجا دقیقا از پیش‌بینی فاصله می‌گیرد. پرسش درست این نیست که: «خاورمیانه در سال ۱۴۱۵ چگونه خواهد بود؟» بلکه باید پرسید: «خاورمیانه در سال ۱۴۱۵ چه شکلهایی می‌تواند داشته باشد و ایران برای هر یک از آنها چه گزینه‌هایی دارد؟» این تغییر پرسش، جوهره تفکر سانبرویی است.

دولت با منابع محدودتر و مطالبات بیشتر روبه‌رو خواهد شد

پنجمین نیرو شاید از همه مهم‌تر باشد. در بسیاری از جوامع، دولت آینده با تناقض بزرگی مواجه خواهد شد: شهروندان خدمات بیشتر، سریع‌تر و باکیفیت‌تر می‌خواهند، در حالی که دولت‌ها با محدودیت منابع، تعهدات بازنشتگی، هزینه‌ها سلامت، زیرساخت‌های فرسوده و شوک‌های اقلیمی روبه‌رو هستند. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین مسئله دولت ۱۴۱۵ احتمالا «بزرگ‌ترشدن دولت» یا «کوچک‌ترشدن دولت» نخواهد بود. مسئله اصلی توانمندترشدن دولت است. دولتی که بتواند با اطلاعات بهتر، فناوری مناسب‌تر و نهادهای چابک‌تر، با منابع محدود تصمیم‌های مؤثرتری بگیرد.

از دولت واکنشی تا دولت پیش‌نگر

در این نقطه شاید به مهم‌ترین مسئله می‌رسیم. بخش بزرگی از ظرفیت اجرائی دولت‌ها صرف حل مسائلی می‌شود که قبلا به بحران تبدیل شده‌اند. وقتی برق کم می‌شود، کمیته بحران تشکیل می‌دهیم. وقتی یک صندوق بانزشتگی دچار کسری می‌شود، منابع جدید اختصاص می‌دهیم. وقتی آلودگی هوا به وضعیت اضطراری می‌رسد، محدودیت وضع می‌کنیم. وقتی بازار با شوک مواجه می‌شود، مقررات تازه تدوین می‌کنیم. البته مدیریت بحران بخشی ضروری از حکومت است. هیچ کشوری نمی‌تواند آن را حذف کند. اما حکمرانی زمانی گرفتار می‌شود که تمام ظرفیت دولت صرف مدیریت پیامدها شود و فرصت پرداختن به ریشه‌های آینده بحران از بین برود. اینجااست که تفاوت میان «دولت واکنشی» و «دولت آینده‌نگر» آشکار می‌شود. دولت واکنشی می‌پرسد: «امروز چه مشکلی باید حل شود؟» دولت آینده‌نگر علاوه بر آن می‌پرسد: «کدام تصمیم امروز ممکن است مسئله بزرگ سال ۱۴۱۵ را بسازد؟».

سه ایران در سال ۱۴۱۵

برای فهم اهمیت این مسئله می‌توان سه آینده متفاوت را تصور کرد.

سانبرویی نخست: دولت مدیریت بحران

در این آینده، دولت همچنان عمده انرژی خود را صرف مهار بحران‌های پی‌درپی می‌کند. بحران آب با انتقال آب مدیریت می‌شود. کسری صندوق‌ها با بودجه عمومی پوشش داده می‌شود. کمبود انرژی با محدودیت مصرف یا پاسخ می‌گیرد و مشکلات اقتصادی با مجموعه‌ای از مداخلات کوتاه‌مدت کنترل می‌شوند. کشور اداره می‌شود، اما دائما یک گام عقب‌تر از تحولات حرکت می‌کند.

سانبرویی دوم: دولت سازگار

در این سانبرو، سیاست‌گذار تغییرات را پذیرفته و اصلاحات تدریجی انجام داده است. نظام انرژی کارآمدتر شده، برخی اصلاحات جمعیتی و بانزشتگی اجرا شده، دولت دیجیتال توسعه‌یافته و تصمیم‌گیری مبتنی بر داده گسترش پیدا کرده است. کشور توان بیشتری برای سازگاری با شوک‌ها دارد. اما هنوز عمدتا به تحولات جهان پاسخ می‌دهد.

سانبرویی سوم: دولت آینده‌ساز

در این آینده، آینده‌پژوهی بخشی از سازوکار تصمیم‌گیری کشور شده است. دولت پیش از تدوین سیاست‌های مهم، سانبروهای بلندمدت را بررسی می‌کند. تصمیم‌های آب با سیاست صنعتی پیوند دارند. سیاست جمعیتی با بازار کار، مهاجرت و بانزشتگی هماهنگ است. سیاست فناوری با آموزش و توسعه منطقه‌ای ارتباط دارد و مهم‌تر از همه، دولت فقط از آینده تأثیر نمی‌پذیرد؛ تلاش می‌کند آینده مطلوب خود را بسازد. OECD این تغییر را در مفهوم «حکمرانی پیش‌نگر» توضیح می‌دهد: ادغام آینده‌نگری، نوآوری و یادگیری مستمر در قلب سازوکار حکومت، به‌گونه‌ای که دولت بتواند به جای واکنش صرف به تحولات، برای آنها آمادگی ایجاد کند.

چه باید کرد؟

تتشکیل یک سازمان جدید الزاما پاسخ این مسئله نیست. حتی ممکن است افزودن یک نهاد دیگر به بوروکراسی، خود بخشی از مشکل باشد. آنچه ایران نیاز دارد، واردکردن منطق آینده‌نگری به فرایند تصمیم‌گیری است. پیش از تصویب سیاست‌های بزرگ باید پرسید: این سیاست در افق ۱۰ساله چه پیامدهایی دارد؟ اگر فرضیات امروز غلط باشند چه اتفاقی می‌افتد؟ چه روندهایی ممکن است قواعد بازی را تغییر دهند؟ کدام نشانه‌های ضعیف امروز می‌توانند بحران بزرگ فردا باشند؟ و چه تصمیم‌هایی وجود دارد که در چند سانبرویی متفاوت همچنان تصمیم‌های مناسبی باقی می‌مانند؟ آینده‌پژوهی در حکمرانی به معنای تهیه گزارش‌هایی درباره سال‌ها ۱۴۲۰ یا ۱۴۵۰ نیست. ارزش واقعی آن زمانی آشکار می‌شود که تصمیم امروز را تغییر دهد.

آینده‌ای جایی دور نمی‌آید

سال ۱۴۱۵ شاید در نگاه نخست دور به نظر برسد. اما کودکی که امروز وارد دبستان می‌شود، آن زمان وارد دانشگاه یا بازار کار خواهد شد. نیروگاهی که امروز ساخته می‌شود، احتمالا هنوز فعال خواهد بود. تصمیمی که امروز درباره آب گرفته می‌شود، ممکن است جغرافیای جمعیت یک منطقه را تعیین کند. سیاستی که امروز درباره هوش مصنوعی اتخاذ می‌شود، می‌تواند جایگاه کشور را در اقتصاد آینده تغییر دهد. آینده ناگهان از راه نمی‌رسد. بخش بزرگی از آن، آرام آرام در تصمیم‌های امروز ساخته می‌شود. به همین دلیل شاید مهم‌ترین تحول مورد نیاز در حکمرانی ایران نه تدوین یک برنامه جدید، بلکه تغییر یک نگاه باشد؛ گذار از دولتی که عمدتا برای حل مسائل باقی‌مانده از گذشته طراحی شده است، به دولتی که بتواند هم‌زمان امروز را اداره کند، فردا را ببیند و برای سپر فردا گزیده بسازد. آینده‌پژوهی قرار نیست به سیاست‌گذار بگوید در سال ۱۴۱۵ دقیقا چه رخ خواهد داد. چنین دانشی اساسا وجود ندارد. وظیفه آن چیز دیگری است: کمک کند غافلگیری کمتر شود، گزینه‌ها بیشتری روی میز باقی بماند و تصمیم‌های امروز، آزادی عمل نسلی آینده را محدود نکند. شاید مناسب‌ترین پرسش در هفتمه دولت نیز همین باشد: نه اینکه دولت امروز چه تعداد مسئله را حل کرده است، بلکه اینکه چه تعداد از بحران‌های فردا را از امروز دیده است؟ زیرا در نهایت، دولت خوب فقط دولتی نیست که مسائل امروز را حل کند؛ دولتی است که اجازه ندهد مسائل قابل پیش‌بینی امروز، به بحران‌های فردا تبدیل شوند.

محمدحسین موسوی: تغذیه دانشجویان از مشکلات دائمی دانشگاه‌هاست؛ ظرف‌های فلزی چیده‌شده در یک صف طولانی به نشانه اعتراض به کیفیت غذا، تصویری تکراری است که در هر سال تحصیلی نسخه‌های جدیدی از آن بازسازی می‌شود. اما مسئله فقط کیفیت نیست، در دهه‌های اخیر با افزایش مکرر قیمت غذای دانشجویی، سیاست‌های سلیقه‌ای مدیران دانشگاهی درباره ارائه خدمات به دانشجویان شبانه و سنوانی و همین‌طور کاهش روز به روز کمیت خدمات، سلف‌ها همیشه محل نزاع بین دانشگاه و دانشجویان بوده‌اند. اکنون اما «وزارت علوم» تصمیم به اجرای تغییری اساسی در شیوه ارائه غذای دانشجویی گرفته است. در طرح جدید قرار است به‌جای پیمانکاران سلف‌های دانشجویی، تأمین‌کنندگانی مختلف شامل رستوران‌ها، فودکورت‌ها، آشپزخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ تهیه و توزیع غذا، به ارائه خدمات بپردازند تا حق انتخاب دانشجویان بالا برود و همین‌طور پرداخت یارانه غذا توسط صندوق رفاه دانشجویی به‌جای واریز به حساب دانشگاه و پرداخت به پیمانکاران بر مبنای قرارآادهای سالانه، مستقیما به خود دانشجویان تعلق بگیرد. به گفته «سعيد حبیبيا»، رئيس سازمان امور دانشجویان، قرار است این طرح جدید جز افزایش کیفیت ارائه خدمات، منجر به «شفافیت حداکثری در هزینه‌ها و قدرت انتخاب بالاتر برای دانشجویان» نیز شود. او بوده‌جه در نظر گرفته‌شده برای این طرح را «۲۲ هزار میلیارد تومان» اعلام کرده و گفته است ۴۰۵ هزار میلیارد تومان نیز برای پوشش آثار تورمی پیش‌بینی شده است.

با وجود این اظهارات امیدوارکننده که در سخنان مسئولان دیگر وزارت علوم درباره این طرح نیز وجود دارد، «فعالان صنفی» خبر از بی‌نظمی در ارائه این طرح به دانشجویان می‌دهند؛ آنها می‌گویند در دو جلسه برگزارشده در تیرماه، هیچ‌کدام از مدیران «سازمان امور دانشجویان» به عنوان مسئولان اصلی اجرای این طرح، پاسخخی به مشکلات و ابهامات مطرح‌شده درباره طرح ندادند و هیچ جزئیاتی نیز از طرح بازگو نکرده‌اند. همین‌طور اجرای آزمایشی این طرح در برخی دانشگاه‌ها نیز نتیجه‌ای مثبت نداشته است. دانشجویان نگرانرند طرح جدید تغذیه باعث افزایش بحران‌ها بشود، پاسخ‌گویی دانشگاه‌ها را از بین ببرد و تبدیل به ابزاری جدید برای افزایش نابرابری بین دانشجویان متحول و دانشجویان کمتر برخوردار شود. هرچند «مهدی قاسمی علی‌آبادی»، دستیار و مسئول هماهنگی و پیگیری‌های ویژه وزیر علوم، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید این طرح قرار نیست به افزایش هزینه معیشتی دانشجویان منتهی شود، اما او نیز با خودداری از ارائه جزئیات کافی از این طرح، به ابهامات و نگرانی‌های موجود دامن می‌زند؛ ابهاماتی که از قرار همه منتظر هستند تا در مهرماه و هنگام اجرای طرح شفاف و راه‌حل شوند. حتی اگر این موضوع به بهای بحران‌های معیشتی و صنفی حداقل در کوتاهمدت برای جامعه آسیب‌پذیر دانشجویی باشد.

از سر بازکردن دردرسهای سلف؟

«فرزاد» از فعالان صنفی دانشجویی دانشگاه «شریف» است که دو ماه پیش در جلسه‌ای با مسئولان سازمان امور دانشجویان، قرار بود از نزدیک در جریان جزئیات طرح جدید تغییر شیوه تأمین مالی سلف دانشگاه‌ها قرار بگیرد؛ اما خروجی آن برای او جز افزایش ابهام و سردرگمی نبوده است: «جلسه مربوط به دو ماه پیش بود و عملا مسئولان خودشان هم نمی‌دانستند باید چه کنند؛ وضعیت خاصی ارائه نشد و فقط تکه‌هایی از طرح را ما گفتند. به نجات فقط یک دلیل مهم ارائه شد در حد اینکه یارانه به دانشگاه‌ها دیده دارد نمی‌شود و از اعتبار غذا به شکل دیگری استفاده می‌شود. تا امروز هم هیچ سند کتبی یا دستورالعمل رسمی به ما نشان نداده‌اند و اطلاعات ما فقط

محدود به مصاحبه‌های پراکنده مسئولان با خبرنگاری‌هاست». او معتقد است حتی در جلسات این کمیته‌های مختلف ارائه‌ندان جزئیات اجرایی، فقط بخشی از مسئله است؛ نگرانی اصلی، ناتوانی این طرح در مواجهه با تورم و واقعیت‌های اقتصادی کشور است: «با توجه به تجربه زیسته ما در این کشور، مبالغ تعیین‌شده در ابتدای تورم، شاید در مهر یا آبان جواب بدهد اما وقتی به زمستان می‌رسیم این‌عدد‌ها دیگر توان پوشش هزینه‌ها را نخواهند داشت. نشتیندیم»، «فرزاد» به تناقض موجود در استدلال‌های دانشگاه برای بهبود کیفیت غذا نیز اشاره می‌کند: «پیش‌تر همیشه توجیه مسئولان برای پایین گذا، کمبود بودجه بود و اینکه پیمانکار با آن هزینه‌ها کیفیت بهتری ارائه نمی‌دهد. حالا طرح جدید روی کاغذ ممکن است بهتر به نظر برسد؛ چراکه با حذف واسطه‌ها و کاهش اتلاف هزینه‌ها، شاید پول مستقیم‌تری به پیمانکار برسد. اما نکته اصلی اینجااست که این استدلال

گزارش «شرق» از جزئیات جدید طرح تغذیه وزارت علوم در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها

شوک پاییزی به سلف دانشگاه‌ها



بهار

عملا چیزی برای ارائه نداشتند. کار به جایی رسید که در جلسه دوم با دبیران سراسر کشور، همان پاوربومیتی که خود دانشجویان براساس حدیساتشان تهیه کرده بودند، توسط مسئولان به‌عنوان طرح رسمی ارائه شد! حتی یک ساعت و نیم پس از شروع جلسه، پیش‌نویسی مهم در گروه‌ها فرستاده شد». به اعتقاد این فعال صنفی، مشکل کنار «پنهان‌کاری» نیست، بلکه طرح در لایه اجرا نیز با گره‌های گور فنی روبه‌روست. او با اشاره به تجربیات شکست‌خورده اخیر می‌گوید: «همین حالا که این طرح به شکل آزمایشی برای دانشجویان ارشد برخی دانشگاه‌ها اجرا شده، با باگ‌های اساسی روبه‌روست؛ فهرست دانشجویان متقاضی با فهرست سامانه یکی نیست، فرایند ثبت سفارش که قرار بود تسهیل شود حالا پیچیده‌تر شده و عملا زیرساخت‌های فعلی توان پشتیبانی از این تغییر ناگهانی را ندارند. هیچ‌کس پاسخ‌گو نیست

که چرا با وجود هشدارهای جدی از طرف مسئولان دانشگاه‌هایی که به شکل آزمایشی این طرح را اجرا کرده‌اند، همچنان اصرار بر اجرای این طرح به همین صورت در تمام دانشگاه‌ها وجود دارد؟». فراتر از کیفیت غذا، از دست دادن امکان پیگیری مشکلات غذای دانشجویی یکی از نکاتی است که برای این فعال صنفی نگران‌کننده است: «سیاوش» توضیح می‌دهد که در سیستم فعلی، اگرچه وضعیت تغذیه ایدئال نیست، اما دانشجو با مسئولان دانشگاهی طرف است که می‌توانند با استفاده از درآمدهای اختصاصی یا سیاست‌های داخلی، حامی دانشجویان آسیب‌پذیر یا پیگیر مشکلات سلف‌ها باشند: «این طرح، دست دانشگاه را می‌بندد و تصمیم‌گیری را به سطح کلان دولتی می‌برد؛ جایی که سیاست‌ها هر چهار سال تغییر می‌کند و معلوم نیست سرنوشت حمایت و تغییراتی که قبلا دانشگاه‌ها می‌کردند، چه خواهد شد. این یعنی سلب مسئولیت از دانشگاه و سپردن معیشت دانشجو به سیستم‌های متمرکزی که درکی از نیازهای خاص هر شهر یا دانشگاه ندارند». او به بحران «پیمانکاران» نیز اشاره می‌کند: «بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ مثل امیرکبیر، با پیش‌پرداخت به پیمانکار، کیفیت غذا را تضمین می‌کردند؛ با مدل مالی جدید وزارتخانه که پرداخت‌ها ماهانه است، پیمانکاران توانمند حاضر به همکاری نخواهند بود و عملا دانشگاه‌ها در شهرستان‌ها با بحران جدی تأمین غذا روبه‌رو می‌شوند». در پایان این دانشجو هشدار می‌دهد با اجرائی‌شدن طرح جدید تغذیه به این شکل غی‌شفاف، مشکلات زیادی در پیش خواهد بود: «طرح روی کاغذ، ایده‌ای گل‌وبلبل است، اما همه می‌دانیم که در اجرا به مشکل می‌خورد. مسئولان نه دغدغه دانشجویان سنوانی و شبانه را دارند و نه زیرساختی برای اجرای فراگیر این طرح مهیا کرده‌اند. یک ماه مانده به موعد اجرا، هنوز حتی نمونه‌قرارآدها شفاف نیست. این طرح اگر با این دست‌فرمان پیش برود، نه‌تنها کمکی به بهبود تغذیه نمی‌کند، بلکه به تهدیدی برای معیشت اکثریت دانشجویان تبدیل خواهد شد. حقیقت این است که کسی در سطوح بالا واقعا نمی‌داند دارد چه می‌کند».

تفاوتی در هزینه‌کرد دانشجویان ایجاد نمی‌کند

«شفافیت هزینه‌ها، ارتقای بهره‌وری، افزایش رضایت دانشجویان، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و پایان تصدی‌گری دانشگاه‌ها در بحث تغذیه به منظور متمرکزشدن آنها بر مسائل علمی و پژوهشی از اهداف این طرح است». مهدی قاسمی علی‌آبادی، دستیار وزیر علوم و مسئول هماهنگی و پیگیری‌های ویژه اوست. او می‌گوید این طرح قرار نیست باعث افزایش تأثیر تورم بر معیشت دانشجویان شود: «ما قرار است مانند شیوه سابق ارائه غذا، قیمت ثابتی از دانشجویان برای رزرو غذا در نظر بگیریم. ممکن است قیمت‌ها افزایش یابد؛ هرچند امیدواریم تورم از سطح نرمال خود خارج نشود، اما سهم و هزینه پرداختی دانشجو قرار نیست در طول سال تغییر کند. البته همان‌طور که به شکل سالانه ما با افزایش قیمت و سهم دانشجویان مواجه هستیم، امسال نیز قیمت تغذیه افزایش خود را خواهد داشت، اما این افزایش در طول سال تغییری نمی‌کند». او می‌گوید امسال نیز در مهرماه قیمت غذای دانشجویی اعلام خواهد شد: «سهم دانشجو و قیمت غذا دو مقوله متفاوت است. ما نمی‌گوییم قرار است دانشجو درصدی از هزینه را پرداخت کند، بلکه می‌گوییم دانشجو مثل سال‌های پیش باید یک قیمت ثابت برای دریافت غذا پرداخت کند و این قیمت را مثل هر سال هنگام بازگشایی دانشگاه اعلام خواهیم کرد». «قاسمی» می‌گوید در این طرح قرار است تفاوت قیمت غذا در هر شهر و استان مدنظر قرار بگیرد: «قاعدتا قیمت مثلا چلوکباب در تهران و کرمان یکی نیست، ما این را در نظر خواهیم داشت و هر تأمین‌کننده با ارائه آتالیز قیمتی خود که شامل هزینه تهیه مواد اولیه، هزینه‌های مرتبط با برق و گاز و دیگر هزینه‌های ارائه گذاست، به دانشگاه قیمت خود را اعلام کرده و ارائه خدمت کند. ما این امکان را هم فراهم کرده‌ایم که اگر تأمین‌کننده‌ای از امکانات دانشگاه استفاده کرد، به ازای آن را به دانشگاه اجاره ندهد، بلکه از روی قیمت غذا کم کند تا به دانشجو منفعتی برسد».

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

ابلاغ دستورالعمل جدید بازرسی‌ها از نیمه‌شهریور

استان؛ رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با بیان اینکه دستورالعمل جدید نظارت بر مدارس ابلاغ می‌شود، گفت: در این بازرسی‌ها وضعیت آب، فاضلاب، پسماند، تهویه، نور کلاس‌ها و بهداشت بوفه‌ها بررسی می‌شود. محسن فرهادی با بیان اینکه کمتر از یک ماه به آغاز فصل پاییز باقی مانده است، گفت: «امیدوارم شرایط به نحوی باشد که امکان حضور دانش‌آموزان در کلاس‌های درس فراهم باشد. نظارت بهداشت محیط مدارس از وظایف محوله مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت است؛ بنابراین آب، پسماند، فاضلاب، وضعیت محیطی کلاس‌ها، نور و صدا را مورد بررسی قرار می‌دهیم». او درباره نظارت بر بوفه‌های مدارس افزود: «بهداشت مواد غذایی یکی از مهم‌ترین مواردی است که بازرسان در کانون توجه قرار می‌دهند. وزارت بهداشت با این موضوع که بوفه‌های مدارس محلی برای درآمد مدارس باشد، مخالفت نمی‌کند. اگرچه مخالف درآمد بوفه‌های مدارس نیستیم، اما به بهداشت فردی و عمومی مدارس و مواد غذایی که عرضه می‌کنند، اهمیت می‌دهیم». رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت درباره اقدامات نظارتی بر عملکرد بوفه‌های مدارس ادامه داد: «نسبت به تدوین دستورالعمل نظارت بر مراکز آموزشی اقدام کرده‌ایم و این دستورالعمل را از نیمه دوشم شهریور به دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور ابلاغ می‌کنیم. دستورالعمل نظارتی بر مراکز آموزشی شامل مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات و مراکز شبانه‌روزی و مراکز شبانه‌روزی نگهداری از افراد دارای معلولیت‌های ذهنی و حرکتی می‌شود». فرهادی گفت: «فرایندهای نظارتی با شروع ماه مهر آغاز می‌شود و هماهنگی‌های لازم با وزارت آموزش و پرورش شکل می‌گیرد تا بازرسی مراکز آموزشی تسهیل شود». او درباره نظارت بر سیستم‌های گرمایشی مدارس نیز توضیح داد: «هنگامی که مدارس بازگشایی می‌شود، اندک اندک به روزهای سرد سال نزدیک می‌شویم؛ بنابراین نظارت بر سیستم‌های تهویه هوا و دستگاه‌های احتراقی را در دستور کار قرار می‌دهیم».

آغاز ثبت‌نام وام ازدواج فرزندان بانزشتنگان کشوری

مهر؛ معاون توسعه مدیریت و منابع صندوق بانزشتگی کشوری از آغاز ثبت‌نام اینترنتی وام ازدواج فرزندان بانزشتنگان کشوری خبر داد. حشمت‌الله سلیمانی گفت: «ثبت‌نام اینترنتی وام ازدواج فرزندان بانزشتنگان و وظیفه‌بگیران این صندوق از روز سه‌شنبه سوم شهریور ۱۴۰۵ آغاز شده و واجدان شرایط می‌توانند به مدت یک ماه برای ثبت درخواست این تسهیلات اقدام کنند». او با بیان اینکه تسهیلات ازدواج فرزندان بانزشتنگان و وظیفه‌بگیران صندوق بانزشتگی کشوری با کارآمد پنج درصد و بازپرداخت ۲۶ماهه به واجدان شرایط پرداخت می‌شود». سلیمانی افزود: «در این دوره، مقاضایان نیاز به بارگذاری مدارک ندارند و اطلاعات ثبت‌شده در زمان درخواست از طریق سامانه ثبت احوال کشور مورد بررسی و راستی‌آزمایی قرار خواهد گرفت». معاون توسعه مدیریت و منابع صندوق بانزشتگی کشوری با تأکید بر اهمیت درج درست اطلاعات در سامانه ثبت‌نام صندوق گفت: «بانزشتنگان و وظیفه‌بگیران هنگام ثبت‌نام و تکمیل فرم اطلاعات در درگاه خدمات الکترونیک صندوق، باید اطلاعات درخواستی را با دقت و به‌صورت درست و مطابق مشخصات ثبت‌شده در سامانه ثبت احوال وارد کنند؛ چراکه در صورت وجود مغایرت میان اطلاعات واردشده و مشخصات ثبت احوال، درخواست متقاضی واجد شرایط ادامه فرایند نخواهد بود و حذف خواهد شد». سلیمانی با اشاره به تاریخ تعیین‌شده برای عقدنامه فرزندان افزود: «تنها فرزندان بانزشتنگان و وظیفه‌بگیران صندوق بانزشتگی کشوری که تاریخ عقد آنان از اول مهر ۱۴۰۳ تا اول مهر ۱۴۰۵ (روز پایانی مهلت ثبت‌نام) باشد، می‌توانند نسبت به ثبت‌نام این تسهیلات اقدام کنند».